

شهید صدر و نظریه سنت‌های تاریخ

مجید کافی

فلسفه تاریخ شهید صدر با این سوالات آغاز می‌شود:

آیا از نظر قرآن، تاریخ سنت‌هایی دارد؟

آیا تاریخ دارای قوانینی حاکم بر مسیر، حرکت و تحول آن است؟

آغاز تاریخ چگونه بوده است؟

تحول یا تکامل تاریخ چگونه صورت گرفته است؟

عوامل اصلی حرکت (نظریه) تاریخ چیست؟

انسان در تاریخ چه نقشی دارد؟

سنت‌های تاریخی

تاریخ مملو و سرشار از مجموعه‌ای از پدیده‌ها است. و همانطور که پدیده‌های کیهانی و فیزیکی و زیستی سنت‌ها و قوانینی دارند، پدیده‌ها و ظواهر تاریخی نیز به نوبه خود دارای سنت‌ها و قوانینی است. لذا این سوالها در اینجا مطرح می‌شود که قرآن در برابر این سنت‌ها و قوانین تاریخ چه نظری دارد و چگونه موضع‌گیری کرده است؟ و سرانجام این که در مقام تأکید مفهوم سنت تاریخ، ره‌آورد و واکنش قرآن مثبت است یا منفی؟ مفصل است یا مجمل؟ قابل ذکر است که در نظر شهید صدر قوانین تاریخی با قوانین علوم طبیعی يك فرق اساسی دارد، و آن فرق اساسی و تفاوت بنیادی، تاریخ، سنت‌ها و قوانین تاریخی را در پیوند و ارتباطی نزدیک با وظیفه و مأموریت و رسالت قرآن قرار می‌دهد.^۱

۱. محمد باقر صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۷۲ - ۷۳.

ابعاد دگرگون‌سازی در قرآن

در قرآن دگرگونی، تحوّل و ایجاد تغییر بنیادی در جامعه دو بُعد یا جهت دارد که عبارتند از:

۱. **دگرگونی محتوایی (الهی).** این تحول و تغییر مربوط به محتوای جامعه و به عبارت دیگر شامل هنجارها، روشها و قوانینی است که روند تغییر و دگرگونی جامعه را ترسیم می‌کند و از رهگذر آنها موجبات تغییر و دگرگونی جامعه و تاریخ فراهم می‌شود.

این تحوّل و تغییر که در آیات به آن اشاره شده است، همه سنتها و قوانین مادیگرای تاریخ را به مبارزه فرامی‌خواند. این تحوّل و دگرگونی، یعنی جهت‌دهی به محتوا و قوانین و احکام، بُعد الهی و ربّانی دگرگونی به شمار می‌رود. این قوانین و احکام در قالب دین و شریعتی نمودار می‌شود که از ناحیه خداوند بر انبیا الهی نازل می‌شود.

۲. **بعد تاریخی.** به موازات بُعد الهی، یک بُعد دیگر هم برای تغییر و دگرگونی جامعه وجود دارد که پیامبر و اصحاب ایشان آن را انجام داده‌اند. این بُعد در صورتی شکل می‌گیرد که تغییر و دگرگونی در قالب یک اقدام عملی از ناحیه گروهی از مردم که متشکل از پیامبر و اصحاب و سایر افراد جامعه هستند، انجام گیرد.

بنابر این تغییر و تحوّل که قرآن را بیان شده است، یعنی تحوّل که پیامبران عامل و منشأ آن بوده‌اند، دارای دو جهت و بُعد است: بُعد خدایی که عبارت است از هنجارها، قوانین، و احکامی که در دین و شریعت بیان شده است. بُعد خدایی تغییر و دگرگونی جامعه و تاریخ عاملی فوق تاریخی است؛

بُعد دیگر بُعد تاریخی است؛ این بُعد که بیشتر جنبه عملی دارد، به کوششها و تلاشهای انسانی یک گروه از جامعه اطلاق می‌شود که در برابر تلاشها و کوششهای گروه‌های دیگر جامعه انجام می‌دهند. در این بُعد سنتهای تاریخ و قوانین و ضوابطی که خداوند برای تنظیم پدیده‌ها و نمادهای هستی در تاریخ وضع کرده است، اجرا می‌شود.

هنگامی که قرآن از بُعد دوم تغییر و تحول سخن می‌گوید، سخن از انسانهایی می‌گوید که اولاً، با خصوصیت انسانی محکوم همان قوانینی هستند که بر جوامع دیگر حاکم بوده است و ثانیاً، دارای ضعف و کجروی هستند و این که شرایط و مقدمات لازم و مناسب را برای تغییر و تطوّر فراهم آورده‌اند یا نه؟ از این رو حتی اگر این انسان همان کسی باشد که به رسالت مبعوث شده باشد، باز تحت حکومت و سیطره سنتها و قوانین تاریخ (اعم از پیروزی و شکست) است.^۱

سنتهای تاریخی و قرآن

۱. محمد باقر صدر، سنتهای اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۷۶ - ۸۰.

از آنجا که انسان در بُعد دوم تغییر و دگرگونی، یعنی قسمت عملی برنامه تغییر و تحول، در برابر سنتها و قوانین تاریخ تسلیم و محکوم است، قرآن باید در این زمینه رهنمودها و ترسیمهایی داشته باشد تا چهارچوب کلی نظریه قرآن و اسلام در خصوص سنتهای تاریخ مشخص شود.

این حقیقت که تاریخ سنتها و قوانینی دارد و تاریخ به وسیله این قوانین و سنن آباد شده است، کاملاً واضح در قرآن آمده است. در پاره‌ای از آیات قانونی به طور صریح و کلی بیان شده است؛ به عبارت دیگر بعضی از آیات به طور کلی دلالت بر سنت تاریخی خاصی دارد و در چهارچوب کلی آن قانون تاریخی سخن می‌گوید.

در دسته‌ای دیگر از آیات، برای بیان قوانین و سنن، به ذکر مصادیق و نمونه‌هایی از آن قوانین که حاکم بر سیر و حرکت تاریخ‌اند، بسنده می‌شود، در این بخش از آیات، سنت تاریخی در خلال حوادثی که در مجموع سنت یا سنتهای تاریخی را ثابت می‌کند، مطرح شده است. به عبارت دقیق‌تر، این دسته از آیات از یک قانون یا سنت خاص به طور مستقیم سخن به میان نمی‌آورد، بلکه به طور غیر مستقیم از آنها سخن می‌گوید. در نتیجه قانون و سنت مورد نظر در پس یک رشته حوادث و رویدادهای تاریخی پنهان است که باید کشف شود.

در پاره‌ای از آیات نیز یکسری توصیه‌های عملی شده است که باید با استقراء آنها و جستجوس استقرایی شواهد تاریخی، قوانینی را استنباط کرد. در این آیات سفارش می‌شود که از رویدادهای گذشته و حوادث مربوط به اقوام و ملل پیشین عبرت گرفته شود و از موارد ضعف و قوت و سرنوشت آنان برای سامان دادن به امور جاری استفاده شود. بدیهی است که اگر در تاریخ قانون و سنن وجود نمی‌داشت، استقراء و جستجو برای یافتن قوانین تاریخی معنا و مفهومی نمی‌داشت.^۱

الف. نمونه‌های قوانین تاریخی (سنتها) در قرآن

از جمله آیاتی که قانونمندی تاریخ و برخوردار بودن تاریخ از یک سلسله ضوابط، قوانین و سنتها را مطرح می‌کند، عبارتند از:

۱. هر جامعه‌ای یک اجل و دوره زمانی دارد. ۲. در آیاتی از قرآن بیان شده که هر امتی و گروهی از انسانها نیز مثل تک تک افراد، اجل و زمانی دارند. این گروه که جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند و افراد آن یک واحد و امت بوده، از طریق

۱. محمدباقر صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۸۲ - ۸۵.

۲. قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا

يَسْتَقْدِمُونَ (یونس/۵۰). وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (اعراف/۳۵). وَمَا أَهْلَكْنَا

مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ (۵) مَا تَسْقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ (حجر/۶). مَا تَسْقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجْلَهَا وَمَا

روابط و پیوندهای مبتنی بر اصول و آرمانهای برخاسته از استعدادهایشان با یکدیگر ارتباط دارند. قرآن از جامعه‌ای با این شرایط و مشخصات تعبیر به «امت» می‌کند و آن را دارای مرگ و زندگی، ۱ کیفر دنیایی ۲ و حرکت می‌داند. لذا قوانین و سنتهایی وجود دارد که اجل هر امت یا جامعه‌ای را تعیین می‌کند. ۳

۲. سنتهای الهی استثنا بردار نیست. ۴ قرآن در آیاتی این مسأله را که مسلمانان یا کافران امیدوار باشند که سنت تاریخ درباره آنان استثناپذیر باشد، نفی و انکار می‌کند. ۵

۳. ارتداد از دین عامل جایگزین شده امت دیگر یا انسانهایی به جای مرتدان خواهد شد. ۶

۴. پیروزی و شکست تابع شرایط لازم و منطقی سنتهای تاریخی است. ۷

يَسْتَأْخِرُونَ (مومنون/٤٤).

۱. أَوْلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (اعراف / ۱۸۵).

۲. وَرَبُّكَ الْعَفْوَُّرُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُكُم بِمَا كَسَبْتُمْ لَجَعَلَ لَكُمُ الْعَذَابَ بَل لَّهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا (٥٩) وَتِلْكَ الْفُرَى أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا (كهف/٦٠). وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا (فاطر/٤٦) در این دو آیه منطق و سنت تاریخ در باب کیفر دنیایی بیان شده است. بر اساس این منطق و سنت چون در دنیا بر جامعه‌ای عذابی وارد شود، قانون و سنت تاریخ چنین ایجاب می‌کند که این عذاب فقط شامل بدکاران و ستمگران آن اجتماع نمی‌شود و همه افراد را فرا می‌گیرد. وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (انفال/٣٦).

۳. همان، ص ۸۵ - ۸۸.

۴. وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا (٧٧) سَنَّةً مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (اسراء/٧٧).

۵. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِ التَّاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ (بقره / ٣١٤).

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (مانده/٥٥).

۷. إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلَهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (أل عمران/١٤١).

ب. سنت تاریخ در بیان مصداق

بعضی از آیات با بیان پدیده‌های تاریخی به سنتها و قوانین تاریخی اشاره می‌کنند. افزون بر این، بر پیگیری و پژوهش حوادث و رویدادهای تاریخی به منظور کشف و استخراج آن سنن و قوانین و عبرت گرفتن از آن حوادث و رویدادها اصرار می‌کند.

آیاتی^۱ با بیان وقایع و رویدادهای جوامع دینی گذشته، برای پیامبر اسلام توضیح می‌دهد که برای جامعه سنت و قوانینی جاری است که پیامبران گذشته هم در معرض آن سنت و قانون بوده‌اند. از آنجا که این سنن در همه جوامع دینی جریان داشته فهم می‌شود که خداوند سنن و قوانینی دارد که در طول تاریخ هیچگونه تغییر و دگرگونی در آنها نیست.

. سنت مبارزه پیامبران با لذت‌پرستان

در طول تاریخ در جوامع دینی رابطه‌ای بین پیامبران با اشراف، خوشگذرانان و لذت‌پرستان بوده است. بر اساس آیاتی از قرآن،^۲ این رابطه یک سنت تاریخی و یکی از قوانین تاریخی در جوامع دینی بوده است، چرا که این رابطه‌ای مطلق و فراگیر در طول تاریخ است که سنتی از سنن و قوانین تاریخ را بیان می‌کند.

. قانون رابطه بین اجرای احکام و رفاه اجتماعی

در تعدادی از آیات قرآن^۱ از رابطه بین انجام احکام دین، دوری از نواهی و اجرای اوامر با رفاه اجتماعی سخن

۱. قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (۱۲۸) هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ (ال عمران/۱۲۹).

۲. وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (۳۵) وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (سبأ/۳۶). وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا (۱۷) وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا (اسراء/۱۸).

رفته است. به عبارت دقیق‌تر، این آیات بین عدالت اجتماعی و رفاه اجتماعی رابطه برقرار کرده است. بنابر این قانون و سنت تاریخ بر این است که حضور ادیان و مذاهب الهی و آسمانی و انجام احکام و تکالیف دینی در روابط توزیع، تولید و ازدیاد محصول و افزایش ثروت تأثیر دارد.^۲

تصادفی بودن وقایع تاریخی یا جبری بودن

بر اساس نظریه شهید صدر انسان نخستین، حوادث و رویدادهای تاریخ را در قالب يك توده متراکم، بر پایه تصادف و اتفاق تفسیر می‌کرد و گاهی نیز انسانهایی آنها را بر اساس قضا و قدر و تسلیم پذیری در برابر اوامر خداوند مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌داند. ولی قرآن کریم هم در مقابل آن نظریه، یعنی تصادفی بودن وقایع تاریخی و هم در برابر این دیدگاه، یعنی قضا و قدری بودن آنها ایستاد و بیان کرد که تاریخ سنتها و قوانینی دارد و انسان برای آن که فعال، کارا و مؤثر باشد، باید آن سنن و قوانین را کشف کند و نسبت به آنها شناخت و بینش حاصل نماید تا بتواند حاکم بر آنها شود و گرنه چشم بسته خواهد ماند و محکوم آن سنن و قوانین خواهد شد.^۳

ویژگیهای سنت تاریخی

قوانین و سنتهای تاریخی سه ویژگی دارند که عبارتند از:

۱. فراگیری. قوانین تاریخ کورکورانه و اتفاقی نیست، بل عمومیت دارد و در حالات عادی غیر قابل تخلف است. به عبارت دیگر در سنتهای الهی تبدیل و تحویل راه ندارد.^۴
۲. الهی بودن سنتهای تاریخ. بدین معنی که هر يك از سنن تاریخ و هر قانون از قوانین تاریخ، کلمه خدا و يك تصمیم الهی است. از نظر قرآن حوادث و وقایع تاریخی که در تاریخ به وقوع می‌پیوندد، قطعاً با یکدیگر ارتباط و تماس دارند. به عبارت دیگر وجود رابطه و تناسب میان وقایع تاریخی حتمی است، ولی

۱. وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاَهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۶۶) وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِّن رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِن قَوْفِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ (مانده/۶۷). {اعراف / ۹۶} وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءً غَدَقًا (جن / ۱۷).

۲. محمدباقر صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۱۰۲ - ۱۰۴.

۳. همان. ص ۱۰۶.

۴. سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلُ وَلَن تَجِدُ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (احزاب / ۶۳). سُنَّةَ مَن قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِن

رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا (اسراء / ۷۸).

مجموع این روابط و مناسبات بین پدیده‌های تاریخی بازگو کننده حکمت و حسن تدبیر و کمال قدرتی است که خدا در آفرینش و ساخت طبیعی و تکوینی تاریخ به کار برده است.

بنابر این اگر قرآن کریم طبیعت الهی و خدایی به قانون و سنت تاریخ می‌دهد، به معنی آن است که قرآن در خصوص حوادث و وقایع تاریخی و تغییر و تحولاتی که در تاریخ به وقوع می‌پیوندد، گرایش صریحاً غیبی و آسمانی در تفسیر تاریخ را تأیید می‌کند؛ بلکه بدین معنی است که قرآن می‌خواهد بر این نکته تأکید ورزد که این سنن و قوانین از حوزه قدرت خدا بیرون نیستند و همه آنها بر اثر همان قدرت خدا تحقق پذیرفته‌اند و مظهر عینی و مجسم کننده اراده و قدرت او را تشکیل می‌دهند و سرانجام آن قوانین و سنن کلمه‌های پروردگار و آیینها و خواست او و مقتضای فرزاندگی و حکمت او در جهان هستی بوده و هست.^۱

۳. آزادی و اراده انسان با قوانین و سنن تاریخی تعارض و تضاد ندارد. کسانی پنداشته‌اند که اگر تاریخ دارای سنن و قوانینی است و برای خود آیینها و سنتهایی خاص دارد، پس اراده و اختیار و آزادی انسان چه مفهومی دارد؟ و اگر بپذیریم که انسان موجودی آزاد است و دارای اراده و اختیار، پس سنن و قوانین تاریخ به چه معنایی است؟

از نظر قرآن سنتهای تاریخ دارای طبیعت و سرشت علمی است، زیرا همان رابطه کنش و واکنش که از ویژگیهای هر قانون علمی است، در قوانین و سنن تاریخ نیز جاری است. همچنین از نظر قرآن سنتهای تاریخ دارای طبیعت و سرشت خدایی و ربانی است، چرا که نمایانگر حکمت و حسن تدبیر خداوند بر کل صحنه‌های تاریخ است و بالاخره قرآن و سنتهای تاریخ را قرین طبیعت انسانی می‌داند، چون آن را جدای از انسان و نقش مثبت او نمی‌انگارد و آزادی و اراده و اختیار را در وجود انسان تعطیل نمی‌کند، بل در صحنه تاریخ هر چه بیشتر و قویتر بر مسؤلیت او تأکید می‌ورزد.

باید خاطر نشان کرد که یک سلسله مواضع مثبت برای انسان وجود دارد که در آزادی، اراده و تصمیم او جلوه‌گر است و این مواضع بر مبنای روابط سنن و قوانین تاریخی، نتایج لازم خود را به بار می‌آورد و معلولهای مناسب خود را به دنبال دارد. در این صورت اراده و اختیار انسان از دیدگاه و برداشت قرآن نسبت به سنن و قوانین تاریخ، موضع اساسی و جایگاه تعیین کننده و اصلی را به خود اختصاص داده است.^۲

خلاصه ویژگیهای سنن تاریخی این است که از نظر قرآن، سنتهای تاریخ دارای طبیعت و سرشت علمی است؛ زیرا همان رابطه کنش و واکنشی که از ویژگیهای هر قانون علمی است، در قوانین و سنن تاریخ نیز جاری است.

۱. محمدباقر صدر، سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن، ص ۱۱۵ - ۱۱۸.

۲. همان، ص ۱۲۱ - ۱۲۳.

همچنین از نظر قرآن سنتهای تاریخ دارای طبیعت و سرشت خدایی و الهی است؛ چرا که نمایانگر حکمت و حسن تدبیر خداوند بر کل بستر تاریخ است و سرانجام این که قرآن، سنتهای تاریخ را قرین طبیعت انسانی می‌داند؛ چون آن را جدا از انسان و نقش مثبت او نمی‌انگارد و آزادی و اراده و اختیار را در وجود انسان تعطیل نمی‌کند و بلکه حتی بر مسؤولیت او در بستر تاریخ هر چه بیشتر و قویتر تأکید می‌ورزد.^۱

آیا تمام دقایع تاریخ تحت حاکمیت و سیطره قوانین و سنن تاریخی قرار دارند؟ در جواب باید گفت که سنن و قوانین تاریخ حاکم بر سراسر بستر تاریخ نیست و بر تمام قضایا و جریانها که مورخان در تاریخ نگاشته‌اند، حاکم نیست، بلکه محدوده معین و بستر مشخصی و خاصی از قوانین و سنن تاریخی پیروی و تبعیت می‌کند.^۲ به عبارت دیگر بررسی و بحث از خود پدیده‌های تاریخی در فلسفه نظری تاریخ قرار نمی‌گیرد و نمی‌توان از قوانین و سنن آنها سخن گفت.

رابطه بین پدیده‌های تاریخی از نوع رابطه پدیده با هدف، رابطه فعالیت با آرمان و یا به تعبیر و اصطلاح فلاسفه از نوع «علت‌غایی» است که غیر از علت فاعلی است که در سایر علوم از آن بحث می‌شود. مانند جوشیدن آب توسط حرارت، تا زمانی که به یک عمل انسانی تبدیل نشده و بُعد بشری در آن نیست، یعنی صرف جوشیدن آب با حرارت، رابطه سبب و مسبب یا رابطه یک پدیده با گذشته آن است و رابطه با غایت و هدف در آن مطرح نیست؛ در صورتی که یک کار انسانی هدفدار، فقط واجد رابطه با سبب یا به گذشته نیست، بلکه با هدف و غایتی در ارتباط است که این هدف و غایت در موقع انجام آن کار وجود ندارد و فقط انتظار وجود آن می‌رود. به عبارت دیگر در اینجا رابطه با آینده مطرح است نه با گذشته و بدین ترتیب هدف و غایت همیشه آینده کار را تشکیل می‌دهد در صورتی که سبب همیشه گذشته آن کار را می‌نمایاند.^۳

پدیده تاریخی

برای این که پدیده‌ای تاریخی محسوب شود، سه شرط لازم است: یکی سبب و دیگری هدف یا غایت و سوم زمینه‌ای که از مرزهای خود عامل بگذرد و حدود مربوط به کننده عمل پشت سر بگذارد و به عبارت دیگر زمینه کار در خود جامعه نمودار شود؛ یعنی کار موجی ایجاد کند و این موج از کننده آن کار فراتر رود تا زمینه حرکت جامعه‌ای شود که کننده کار به عنوان یک فرد، جزئی و عضوی از آن جامعه است. به عبارت دقیق‌تر آن عمل پدیده و اجتماعی شود. طبیعی است که منظور، همه امواج اجتماعی است با همه تفاوتها و اختلافاتی که در نوع خود با یکدیگر خواهند

۱. همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

۲. همان، ۱۲۸.

۳. همان، ۱۳۰.

داشت. موجی است که محدود است و شعاع آن کم است و متقابلاً موجی است بزرگ و دارای طیفی گسترده؛ ولی یک کار فقط هنگامی کار تاریخی می‌شود که موجی فراتر از عامل فردی داشته باشد. عمل فردی مثل زمانی که فرد گرسنه می‌شود، غذا می‌خورد؛ هنگامی که تشنه می‌شود، آب می‌نوشد؛ زمانی که احساس نیاز به خواب پیدا می‌کند، به خواب و استراحت می‌پردازد. اما همه این کارها علیرغم این که هدفدار هم هستند و می‌خواهند هدفی را تأمین کنند ولی دامنه موج آنها فراتر از فردی که آنها را انجام می‌دهند، نمی‌رود. بر خلاف کاری که انسان در لابلای یک فعالیت اجتماعی و از رهگذر روابط متقابل با افراد جامعه خود انجام می‌دهد؛ مثلاً بازرگانی که اقدام به یک معامله تجاری می‌کند، فرماندهی که به یک کار جنگی و نظامی دست می‌زند، و... همه این کارها دارای امواجی است که از محدوده یک فرد کننده آنها تجاوز می‌کند و بخشی از جامعه را زیر پوشش می‌گیرد.^۱

عمل فردی و عمل جمعی

در قرآن^۲ بین عمل فردی و عمل جمعی تفاوت گذاشته شده است؛ چه در آیات ضمن بیان کارنامه فردی و این که عمل فردی ثبت می‌شود، به کارنامه و ثبت عمل جمعی نیز اشاره شده است. به عبارت دیگر کارنامه فردی کارهای هر فردی را ثبت کرده و کارنامه جمعی کارهای امتی و جامعه‌ای را ثبت کرده است. کارهای فردی عمل دو بُعدی (یعنی عملی که دارای دو بُعد سبب و هدف است) و عمل جمعی سه بُعدی (یعنی عملی که از سه بُعد سبب، هدف، و موج یا فراگیری تشکیل می‌شود) است.

۱. همان، ۱۳۳.

۲. وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۹) هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (جاثیه / ۳۰).

تاریخ در نظریه شهید صدر به معنای جامعه دینی است. از این رو تمام قوانین و سَنَنهایی که ایشان در نظریه سَنَنهای تاریخی بیان می‌کنند، ناظر به جوامع دینی است.

در نظریه سَنَنهای تاریخی، بر خلاف بسیاری از نظریه‌ها که به بیان قوانین تاریخی پرداخته نمی‌شود، به شمارش سَنَنها و قوانین تاریخی همت گماشته شده است.

موضوع و محور اساسی بحثهای فلسفه تاریخ چیست؟ به عبارت دیگر گستره موضوع و مباحث فلسفه نظری تاریخ تا کجا است؟ تصور نخستین این است که گستره بحثهای فلسفه تاریخ، تمام گستره تاریخ و قوانین حاکم بر آن است. آیا تاریخ با همه گستردگی و امتدادی که دارد، بستر قوانین و سنن تاریخ است و تمام این گستره موضوع فلسفه نظری تاریخ است؛ یا این که گستره قوانین و سنن تاریخ بخشی از بستر تاریخ است.